



بررسی آسیب‌های مهدویت‌گرایی

علی اکبر بیاری*

چکیده

باور به مهدی از اصیل‌ترین باورها نزد شیعیان آن حضرت است. این باور در رفتارهای آنان تجلی می‌یابد. حضور مهدی باوران در مسجد مقدس جمکران و سه‌شنبه شبها، نمونه‌ای از این رفتارهاست. در این میان، رفتارهایی وجود دارد که با آموزه‌های مهدویت چندان سازگار نیست. این نوشته به عمده‌ترین آسیب‌های رفتاری می‌پردازد که جنبه اجتماعی دارد. نویسنده با حضور در آن مکان شریف در شبهای چهارشنبه آن آسیب‌ها را توانسته برشمرد.

واژگان کلیدی

آسیب، آسیب‌شناسی، مهدویت‌گرایی، مهدی باوران، مسجد مقدس جمکران.

مقدمه

بیشتر مهدی‌باوران، جمکران را عرصهٔ ابراز ارادت خود به حضرت می‌دانند و تلاش می‌کنند اوج محبت خود را به حضرت با آمدن به آن مکان نشان دهند (موضوع مشترک).

گردهم‌آیی بی‌نظیر مشتاقان به حضرت در مکانی محدود، امکان بررسی و ثبت و ضبط رفتارهای مهدی‌باوران را بهتر فراهم می‌کند. براساس برخی آمار سالانه حدود چهارده میلیون مشتاق حضرت به آن مکان شریف می‌آیند.^۱ جنبهٔ ظهور و بروز رفتارهای معطوف به حضرت (تظاهرات رفتاری) در آن مکان آشکارتر و واضح‌تر است. زمینهٔ بروز رفتارهای آسیبی در آن جمع بیشتر است. (رفتارهای جمعی)

جمع به گروهی اطلاق می‌شود که رفتار گروهی از خود نشان دهد و از ویژگی‌های جمع آن است که گروهی ناپایدار (موقتی) و بدون ساختار است که از هیچ‌گونه تقسیم کار و سلسله‌مراتبی برخوردار نیست.^۲

معمولاً وقتی افراد در جمع قرار می‌گیرند، به رفتار یا عملی جمعی دست می‌زنند. رفتار جمعی، خودانگیخته، عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر است.^۳ پس در جمع‌هایی که احساس و عاطفه غالب دارد، از آن‌رو که احساسات حد و مرز مشخصی به ویژه در نزد عوام ندارد، ممکن است شخصی واکنشی عاطفی از خود نشان دهد و از او به شخص دیگر سرایت کند و همین‌طور همهٔ جمع را فرا بگیرد و یا اکثر مردم چنین رفتاری از خود نشان دهند. با توجه به این نکته، گردهم‌آیی افراد بسیار در یک شب (سه‌شنبه شب) آن‌هم در چند ساعت ویژه - بین هشت تا یازده شب - در مکانی نسبتاً محدود به نام مسجد مقدس جمکران تجمعی ناپایدار و موقتی است و پس از چند ساعت همه یا اکثر از هم جدا می‌شوند و نظارت خاصی بر رفتارهای عاطفی آنها اعمال نمی‌شود. از این‌رو، پس از کاری عاطفی براساس نظریه سرایت،^۴ دیگر افراد نیز آن عمل را انجام می‌دهند، هرچند آن کار چندان پایه و اساس نداشته باشد، مثل بوسیدن در چاه عریضه. بنابراین، گفته می‌شود در این‌گونه جمع‌ها، زمینهٔ بروز رفتارهای آسیبی بیشتر است.

آسیب‌ها در حوزه رفتارها

راز رفتار و کردار مهدی‌باوران در مسجد مقدس جمکران گاه آسیب‌هایی بیرونی سر می‌زند:

۱. نمادگرایی افراطی

نماد در لغت به معنای نمود (نمودن) است. نمودن یعنی نشان دادن، ارائه دادن، آشکار کردن، به نظر رساندن، نمایش دادن، معرفی کردن و شناساندن، ظهور، تجلی، علامت، دلیل و ره‌نما.^۵ تعاریفی که برای «نماد» و «نمودن» مصدر آن بیان شده، همگی یا بیان‌کننده معنایی واحد است و یا این‌که به لوازم آن معنا اشاره دارد و آن معنای واحد،

گردهم‌آیی افراد بسیار در یک شب (سه‌شنبه شب) آن‌هم در چند ساعت ویژه - بین هشت تا یازده شب - در مکانی نسبتاً محدود به نام مسجد مقدس جمکران تجمعی ناپایدار و موقتی است و پس از چند ساعت همه یا اکثر از هم جدا می‌شوند و نظارت خاصی بر رفتارهای عاطفی آنها اعمال نمی‌شود

ظهور و یا ارائه حقیقتی است که در قالب مصدر به صورت ظهور کردن و ارائه دادن بیان می‌شود.

بنابراین، نماد آن چیزی است که در پس خود چیز دیگری نشان دهد؛ «چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند»^۷ چنان‌که امیر مؤمنان می‌فرماید: «ما لله آیه اکبر منی؛^۸ برای خدا آیه و نشانه‌ای بزرگ‌تر از من نیست.» یعنی با نگاه به حضرت و رفتار او می‌توان به خدا رسید و خدا را در وجود حضرت یافت. بنابر برخی احادیث نیز فرموده‌اند با افرادی دوست شوید که دیدن آنها شما را به یاد خدا اندازد.^۹ بنابر این روایات انسان‌های مؤمن نماد و نشانه خدا هستند.

نماد را به نمادهای فردی و جمعی و طبیعی و قراردادی دسته‌بندی می‌کنند. نمادهای طبیعی مثل دود که نشان و علامت آتش است یا خاک مرطوب که نشان بارندگی است. نمادهای قراردادی توسط افراد وضع می‌شود، مثل چراغ سبز راه‌نمایی سر چهار راه که علامت حرکت است. نمادهای اجتماعی عموماً قراردادی هستند و اهمیت نمادها در نمادهای جمعی است، نه در نمادهایی که به صورت فردی پدید می‌آید؛ زیرا افراد جامعه در آنها اشتراک دارند که این باعث انسجام و هم‌بستگی افراد است و در حفظ جمع می‌کوشد.^۹

جمکران نمادی دینی و مذهبی و مربوط به مذهب است و در پس خود، انسان را به معنویت و عالم ماوراء طبیعت ره می‌نماید؛ چون اسم مسجد آشکارا بر عبودیت در برابر خدا اشاره دارد. از سویی، نام آن مکان به نام صاحب‌الزمان است که افراد و زائران را به سمت و سوی حضرت متوجه می‌کند. لذا بسیاری از مشتاقان به عشق حضرت عازم آن مکان مقدس می‌شوند. آن چه در باب نماد بودن آن مکان مقدس بدان می‌توان اشاره کرد، غلبه جنبه نماد بودن آن بر جنبه حقیقت آن و واقعیتی است که در پس آن وجود دارد. آن مکان مقدسی که نمادی مذهبی است، در پس خود، خدا و بندگی خدا و شناخت و معرفت حجت خدا و نزدیکی به آن وجود مقدس را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد اصل هدف از دستور آن حضرت برای تأسیس آن مکان نیز همین بوده، چنان‌که حضرت به حسن بن مثله جمکرانی فرموده‌اند:

به مردم بگو تا به این مکان روی بیاورند و آن را عزیز و گرامی بدارند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند...

هرکس این نماز را بخواند، مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.^{۱۰}

علما و اندیشه‌ورزان دینی نیز به این امر سفارش کرده‌اند؛ حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی در مسجد مقدس جمکران فرموده‌اند:

برادران، عزیزان، امشب (شب نیمه شعبان) که آمده‌اید این‌جا... با یک روحیه تازه برگردید، آدم نوی شوید، از جمیع گناهان توبه کنید، خودتان را به خدا برسانید و در سایه حضرت مهدی قرار بگیرید...^{۱۱}

در مورد دیگری فرموده‌اند:

یکی از عزیزترین مکان‌های عبادت نیز این‌جا (مسجد مقدس جمکران) می‌باشد.^{۱۲}

آیه‌الله مصباح یزدی نیز در سخن‌رانی در جمع مشتاقان حضرت در آن مکان مقدس فرموده‌اند:

سفارش من به شما جوانان و نوجوانان عزیز این است که... در کسب علوم و معارف اهل‌بیت کوتاهی نکنید، بلکه بکوشید همواره ایمانتان را تقویت کنید و دل‌هایتان را همیشه نورانی و از آلودگی‌های گناه پاک نگه‌دارید.^{۱۳}

این نماد دینی کارکردهای مثبت اجتماعی هم دارد، مثل گردهم‌آیی مؤمنان در مکانی پیرامون یک محور و ایجاد مشارکت پیاپی میان آنان که این هم نکته مثبت و خوبی است، اما اگر فقط به حیثیت نماد بودن آن پرداخته شود و یا توجه بیشتری به آن شود، آسیب خواهد بود، یعنی دال بر مدلول اولویت پیدا کند. به بیان دیگر، توجه افراطی یا محض به نماد آن است که معنا و حقیقت پنهان یا کمرنگ گردد و بازار ظاهر رونق بیشتری بگیرد. نمونه‌هایی از نمادگرایی افراطی در امر مهدویت:

یکم. اصل شدن حضور در جمکران به طوری که برخی از زائران فقط آمدن به آن مسجد مقدس برایشان موضوعیت دارد، بدون این‌که توجه داشته باشند این مکان می‌تواند و باید زمینه رسیدن به رشد فکری و معنوی و رفتاری باشد، دلیل بر این‌که برای برخی خود آمدن موضوعیت پیدا کرده، آن است که تغییری در رفتار آن دسته از زائران ایجاد نمی‌شود و حتی برخی در همان

مکان اعمالی انجام می‌دهند که قطعاً در تعارض با آن چیزی است که آن مکان، نماد و نشان‌دهنده آن است، یعنی عبودیت و بندگی و نزدیکی به حجت خدا.

دوم، اگر مسجد مقدّس جمکران نمادی است از معنویت و بندگی و حضرت صاحب‌الامر ، پس در همه لحظه‌های زمانی نمایان‌کننده این مطلب می‌تواند باشد، نه فقط در شب چهارشنبه و به نظر می‌رسد این که تنها در آن شب سیل عظیمی از زائران به آن مکان تشریف می‌آورند، گرچه بسیار بجا و نیکوست، چندان وجه علمی و دینی ندارد. تنها مستند آن دستور امام به حسن مثله جمکرانی است، مبنی بر ذبح گوسفند و توزیع گوشت آن در روز چهارشنبه میان زائران. لذا برخی چنین برداشت کرده‌اند که شب چهارشنبه در نظر حضرت بوده است.^{۱۴} به غیر از این برداشت سلیقه‌ای، مدرک معتبری درباره تأکید حضور در شب چهارشنبه یافت نشده، حتی در سیره برخی بزرگان هم که به مشرف شدن به آن مکان عرشی مقید بوده‌اند نیز این مطلب شهرتی ندارد که مثلاً فلان عالم فقط در شب‌های چهارشنبه در مسجد حضور می‌یافته است.^{۱۵}

سوم، بعد از توجه به نماد دیگر احساس وظیفه‌ای در وجود خود نبیند و همین را برای خود غنیمت شمارد و به همان راضی باشد و احساس کند وظیفه خود را با آمدن به مسجد و دیدن آن مکان انجام داده است و حتی گاهی آن قدر جذب آن نماد شود که از محتوا و آن چه این نماد بیان‌کننده آن است، غافل گردد.

نمونه‌های بارز دیگر از توجه افراطی به نمادها در مهدویت‌گرایی جشن‌های نیمه شعبان است که بسیاری از مشتاقان جوان مهدی‌باور، مدت‌ها پیش از نیمه شعبان برای تزئین و چراغانی محل و کوچه و خیابان خود می‌کوشند و به همین نکته بسنده می‌کنند و یا دست‌کم آن‌طور که انتظار می‌رود به ماورای آن نمادها توجه چندانی نمی‌کنند. جای تأسف دارد که در برخی موارد حتی در قالب همین نمادها، به اموری پرداخته می‌شود که هیچ سنخیتی با صاحب نماد ندارد، مثل پخش ترانه‌ها و یا اختلاط‌های زن و مرد و نگاه‌های مسموم.

نتیجه این که جمکران و جشن‌های نیمه شعبان، به منزله نمادی برای حضرت باید به گونه‌ای باشد که در قالب توجه به آن، با فرهنگ مهدویت بتوان آشنا شد و آن را در وجود خود و جامعه بتوان نهادینه نمود.

اما برخی از سیاست‌های فرهنگی مسجد جمکران نیز طوری است که به نظر می‌رسد به جنبه حقیقی و مدلول آن کمتر توجه دارند، یا دست‌کم آن‌طور که شاید بدان توجه نمی‌کنند که در ادامه، برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

چهارم، گاهی اوقات غلبه زیباسازی به گونه‌ای است که افراد از ورای نماد غافل می‌شوند، چنان که برخی تلاش‌های فرهنگی هم توان هدایت‌گری خود به سمت ماورای نماد را از دست می‌دهند. برای نمونه چند مورد بیان می‌شود:

- روشن کردن اطراف محراب مسجد مقدّس با چراغ‌های سبز؛

- زینت کردن اطراف چاه عریضه با چراغ‌های سبز و تابلوهای سبزنا مزین کردن،

اگر مسجد مقدّس
جمکران نمادی
است از معنویت و
بندگی و حضرت
صاحب‌الامر ، پس
در همه لحظه‌های
زمانی نمایان‌کننده
این مطلب می‌تواند
باشد، نه فقط در شب
چهارشنبه و به نظر
می‌رسد این که تنها در
آن شب سیل عظیمی
از زائران به آن مکان
تشریف می‌آورند،
گرچه بسیار بجا و
نیکوست، چندان وجه
علمی و دینی ندارد

حتی محفظه آهنی که روی چاه نصب شده نیز رنگ سبز دارد؛
- اختصاص یک یا دو کیوسک (که آنها نیز با رنگ سبز تزیین شده و در شبها لامپ مهتابی سبز در بیرون آن روشن است) مخصوص فروش برگه‌های عریضه؛
پنجم. اموری برای جذب هدایا بر راه‌نمایی‌های دینی غلبه دارد:

- وجود دو مکان ثابت مکعب شکل با دو گنبد فیروزه‌ای در بدو ورود به مسجد برای اخذ هدایای مردم که یکی از آنها در طول ایام هفته باز است و اطراف آن نیز از بیرون با لامپ سبز زینت شده است؛

- وجود چند کیوسک مخصوص جذب هدایا با ظاهری زیبا و امکانات مناسب و رنگ سبز در مقایسه با کیوسک‌های پاسخ به سؤالات شرعی و دینی و شبهات اعتقادی که تنها چند مورد و با رنگ قهوه‌ای سوخته است؛

- وجود دو صندوق شیشه‌ای که داخل آنها مهتابی سبز رنگ روشن است، در اطراف محراب مقدّس برای هدایای مردم و جالب است که در پایین همان صندوق‌ها با پارچه مخملی سبز رنگ این آیه شریفه نوشته شده: «وَمَنْ يُعْمَرْ مَسَاجِدَ اللَّهِ^{۱۴} وَ ذِیلِ آن نوشته: «خداوند کریم هدایای شما مؤمنین را به مسجد مقدّس جمکران قبول نماید.»

گفتنی است، تعداد کیوسک‌های جذب هدایا هجده عدد، تعداد صندوق‌های ثابت که در سطح حیاط مسجد نصب شده آن هم با رنگی سبز و نصب پوستر صاحب‌الزمان روی آن ۳۳ صندوق است. شب‌های چهارشنبه تعداد زیادی صندوق سیار نیز در گوشه و کنار برای جذب هدایا گذاشته می‌شود، به ویژه ورودی‌های مسجد. اما تعداد کیوسک‌های پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و اعتقادی در مجموع پنج عدد است. گذشته از این که مکان نصب کیوسک‌های جذب هدایا بیشتر در مکان‌های حسّاس و پر تردد مثل ورودی چاه عریضه و مسجد مقدّس است، ولی مکان نصب کیوسک‌های پاسخ به سؤالات بیشتر مکان‌هایی خلوت‌تر است. البته شاید از آن رو باشد که سؤال‌کننده راحت‌تر سؤالش را بتواند مطرح نماید که پذیرفتنی است، ولی سؤال‌کننده در بیرون کیوسک نباید بایستد و باید مکان مناسبی در داخل کیوسک برای او فراهم باشد تا راحت‌تر و بدون دغدغه بتواند بپرسد.

- برای جذب هدایا به ویژه چند کیوسک و صندوق به طور شبانه‌روزی آماده دریافت هستند، اما در مورد پاسخ‌گویی به سؤالات، بیشتر در شب‌های چهارشنبه فعال است.
از عوارض توجّه افراطی به نمادها، غفلت از امور اصلی و مهم می‌تواند باشد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. در سراسر فضای مسجد و حیاط چند تابلوی تبلیغاتی با کیفیت پایین و غیرجذاب نصب شده که بنابر بررسی معلوم شد توجّه زائران به آنها بسیار محدود است. البته مطالب خوبی داخل آنها نصب شده بود، ولی از جهت قالب چندان جذاب نبود؛ هم از جهت نوع کاغذ و طراحی و هم از جهت سبک نگارش. برای نمونه، بر یکی از تابلوها چنین اطلاع‌رسانی کرده‌اند: عکس حضرت امام و مقام معظم رهبری و اطلاعیه‌ای درباره جذب سرباز وظیفه برای خدمت در مسجد جمکران، اعلام برنامه هفتگی مسجد، مسئله شرعی (حکم سقط جنین از منظر مراجع تقلید) و یک روایت اخلاقی و اعمال مسجد مقدّس.

۲. در سراسر مسجد چند پارچه نصب شده که زائران را به رعایت برخی امور اخلاقی دعوت می‌کند:
- حجاب پاس‌داری از خون شهیدان است؛
- برادر نگاهت را و خواهر حجابت را به خاطر امام زمان حفظ کن؛

- خواهرم حفظ حجاب خواست امام زمان است؛
- چادر حجاب فاطمی است.
جالب است که از نوع پیام‌های این نوشته‌ها می‌توان پی برد که مسئولان خدمت‌گذار و زحمت‌کش فرهنگی آن مکان شریف نیز متوجه شده‌اند که برخی زائران ناهنجاری‌هایی مرتکب می‌شوند، ولی کیفیت آن پارچه‌ها بسیار ناخایست بود، چنان که برخی از آنها رنگ و رو رفته و بسیار نازیبا می‌نمود، به ویژه پارچه‌ای که زیر درختان در اطراف چاه عریضه نصب شده بود که آغشته به فضولات پرندگان به چشم می‌آمد.

- تعداد افراد فعال در واحد فرهنگی مسجد، به گفته مسئول واحد فرهنگی چهار نفر کادر ثابت است. البته در شب‌های چهارشنبه حدود ۲۵ نفر طلبه و روحانی برای پاسخ‌گویی به سؤالات در مسجد به صورت افتخاری حضور پیدا کنند.
- بودجه‌ای که به امور فرهنگی اختصاص می‌یابد، به گفته

مسئول آن، در هر ماه به سه میلیون تومان هم نمی‌رسد که این مبلغ باید برای هزینه سخن‌ران، مداح، نیروهای ثابت و غیر ثابت، فعالیت‌های فرهنگی دیگر و... بشود. پی‌آمدهای منفی توجّه افراطی به نمادها برای مهدی‌باوران نیز امور ذیل می‌تواند باشد:

- عدم تحرّک و پویایی درونی و روحی در عین فعالیت‌های جسمانی فردی و اجتماعی به طوری که رعایت حقوق یک‌دیگر در آن تجمّعات گاهی اوقات کمرنگ می‌شود و این‌گونه نیست که هر هفته از هفته قبل، رشد مثبتی در جهت کیفی داشته باشد.

- گرایش به موعود و حضرت حجت در سطح و عدم تعمّق در حقیقت انتظار و وظایف عصر غیبت، به ویژه مثل عکس یادگاری گرفتن و فیلم‌برداری از گنبد مسجد، محراب مسجد و دیگر مکان‌ها که به صورت امری رایج و عمومی درآمده، یا بسنده کردن به خرید سوغاتی (عطر جمکران) که خود امر پسندیده‌ای است، آسیب به شمار می‌رود.

- انجام و شیوع برخی اعمال و حرکات جمعی که با آن چه نماد آن را بیان می‌کند، هیچ سنخیتی ندارد، یا حداقل سنخیت را داراست، مثل انجام برخی امور ناهنجار اخلاقی از قبیل عدم رعایت پوشش اسلامی، ایجاد مزاحمت برای یک‌دیگر، عدم نگاه داشتن چشم و...

۲. ابزارانگاری مهدویت‌گرایی

دومین آسیب در حیطه رفتارهای مهدی‌باوران که کمی رواج یافته، استفاده ابزاری از نام و یاد حضرت برای منافع دنیوی صرف است. بهره‌مندی از نام و یاد حضرت تنها برای تأمین منابع روحی و روانی و نه دنیوی خود نوعی آسیب است، مثل آمدن برخی زائران که تنها برای آرامش روح و روان خود و نجات از سرخوردگی به آن مکان شریف می‌آیند. برخی از مهدی‌باوران عزیز چهل صباح دعای عهد را تلاوت می‌کنند و آن‌گاه آن را رها می‌کنند؛ چون برای دیدن حضرت در دنیا و یا رجعت خواندن این دعا را مطلوب شنیده‌اند. آیه‌الله مصباح در این زمینه می‌فرماید:

هر عاشقی به طور طبیعی دوست دارد با معشوق خویش ارتباطی برقرار کند... و از دیدار و هم‌نشینی با او لذت ببرد، در چنین عشقی خودخواهی وجود دارد، اما عاشق پاک‌باخته، در اندیشه‌ی التذاذ خودش هم نیست... دیگر در این اندیشه نیست که از او چیزی دریافت کند و بهره‌ای ببرد.^{۱۷}

به بیان دیگر، این که فقط حسّ نیازمندی انسان را سوی مهدی بکشاند، خود نوعی آسیب است، مثل نیازهای جسمی و نیاز به آرامش، چنان‌که اگر آن مشکل را نمی‌داشت یا از طریق دیگر حل‌شدنی بود، شاید سراغ حضرت نمی‌رفت.

نمونه‌هایی از این آسیب در رسیدن به مقاصد دنیوی و فردی چنین است:

یکم. چاپ و نشر کتب و مقالات و مجلات پیرامون حضرت با محتوای ضعیف جهت کسب درآمد یا کسب موقعیت که متأسفانه برخی از کتاب‌ها که پیرامون حضرت نوشته

بهره‌مندی از نام و یاد حضرت تنها برای تأمین منابع روحی و روانی و نه دنیوی خود نوعی آسیب است، مثل آمدن برخی زائران که تنها برای آرامش روح و روان خود و نجات از سرخوردگی به آن مکان شریف می‌آیند

یا مقالاتی که چاپ می‌شود، چندان بار معرفتی ندارد و از نظر محتوایی بسیار ضعیف است.

دوم. گاه مشاهده شده که برخی مقالات که برای همایشی پیرامون حضرت ارسال شده، فتوکپی مقاله‌ای بوده که پیش‌تر در نشریه‌ای دیگر چاپ شده بوده و کسی آن را به نام خود آن هم بدون هیچ تغییری برای همایش فرستاده است.

سوم. گاه رانندگان محترمی که در مسیر قم - جمکران مسافرکشی می‌کنند و مسافران را به آن مکان مقدس می‌رسانند، از زائران مبلغ ناعادلانه‌ای حتی بیشتر از کرایه‌ای که تصویب شده دریافت می‌کنند. این مشکل برای زائران غریب و در روزهایی مثل شب‌های چهارشنبه و ایام نیمه‌شعبان، بیشتر نمایان است، چنان‌که در شب نیمه‌شعبان امسال (۱۳۸۶ شمسی) موتورسیکلت‌های مسافربر از هر مسافر از فلکه ۷۲ تن (ورودی قم از سمت تهران تا جمکران) مبلغ سه هزار تومان می‌گرفتند. ناگفته نماند تازگی خودروهای مسافرکش مسیر قم - جمکران در شب‌های چهارشنبه کمی سازمان‌دهی شده‌اند و نظم نسبی حاکم شده است.

چهارم. مغازه‌ها و بازار اطراف مسجد مقدس جمکران بیشترین آسیب‌ها و ناهنجاری‌های مورد نظر (و سایر ناهنجاری‌های اخلاقی) را می‌پذیرند که پیش از پرداختن به آن ذکر دو مقدمه لازم است:

مقدمه نخست: بازارچه‌ای در ضلع شرقی مسجد مقدس جمکران واقع شده است که از این‌رو، ورودی‌های پنج و شش، از شلوغ‌ترین ورودی‌ها به مسجد در شب‌های چهارشنبه شده؛ چرا که پارکینگ وسایل نقلیه کاروان‌هایی که از شهرستان‌ها می‌آیند، در پشت بازارچه است، به طوری که تقریباً بسیاری از زائران از کنار یا داخل بازارچه باید بگذرند تا وارد فضای مسجد مقدس جمکران بشوند.

مقدمه دوم: نام بازارچه «مجموعه خدماتی - رفاهی پانزده شعبان» است. بسیاری از مغازه‌ها را به کلمه‌های مذهبی نام‌گذارند که به چند مورد اشاره می‌شود:

ساندویچ مهدی، سوپر مارکت فدک، سوهان میلاد نور، محصولات فرهنگی فدک، محصولات فرهنگی یاس کبود، عطر جمکران، ساندویچ ولی عصر، فروش گاه صالح، فروش گاه ملیکا، آدینه، ساندویچ موعود، محصولات فرهنگی خورشید آل یاسین،

سوهان سیدحسینی، سوهان میلاد، خرازی مهدی، فروشگاه ولی عصر، بوستان فرهنگی قائم، گل مریم، سالن غذاخوری نرجس.

به نظر می‌رسد انتخاب نام مغازه‌ها به اختیار خود صاحب مغازه‌ها بوده، یعنی مسئولان اجباری برای نام‌های مذهبی نداشته‌اند؛ چون برخی مغازه‌ها نام‌های معمولی و غیرمذهبی انتخاب کرده‌اند.

اما آسیب‌های این بخش:

یکم. گرانی قیمت کالاها و خوراکی‌ها در مغازه‌هایی که به نام حضرت مزین است. در واقع گویی از نام حضرت برای جذب مشتری و نفع مادی بهره‌برداری می‌شود.

دوم. فروش کالاها و محصولات که هیچ تناسب و سنخیتی با آن مکان مقدس ندارد، آن هم در مغازه‌هایی که نام مذهبی و حتی مرتبط با حضرت مهدی را انتخاب کرده‌اند و در بیشتر موارد نوارهای مداحی مربوط به حضرت در آنها پخش می‌شود، ولی به نام حضرت در پی فروش کالاهایی هستند که مشتری‌هایی خاص دارد (بیشتر دختران و پسران جوان) و از این طریق در پی کسب درآمد هستند؛ چون سلیقه و تقاضای مشتری برایشان مهم است. لذا بر همان اساس جنس می‌آورند و نام حضرت را بر مغازه می‌گذارند، تا جنبه تقدسی آن هم حفظ شود و از جهت دیداری زائر را به خود بکشند و با پخش نوار هم از جهت شنیداری زائران را جذب کنند. نمونه‌هایی از کالاهایی که در بیشتر مغازه‌ها به جز مغازه‌های کتاب فروشی (دو مغازه) و مغازه‌های خوراکی به فروش می‌رود:

- انواع و اقسام عروسک‌ها در اندازه‌های مختلف و با رنگ‌های متنوع از عروسک دارا و سارا تا عروسک باربی و حتی عروسک‌هایی که تمام اندام آنها نمایان است؛

- مجسمه‌های متعدد از انسان و حیوانات مختلف به ویژه مجسمه‌های عروس و داماد با وضعی بسیار زننده؛

- آلات و ابزار موسیقی البته از نوع اسباب‌بازی آن در پشت ویتترین بسیاری از مغازه‌ها که برای فروش به اندازه کافی داشتند؛

- فروش انواع و اقسام نوارهای موسیقی محلی و غیره و آلبوم‌های متعدد خوانندگان مختلف؛

- فروش اسباب و وسایل سرکاری که برخی بسیار زننده است،

مانند چای بادآور، اسپری بدبو، بادکنک بی‌ادب، چسب بدبو و

- فروش لوازم آرایشی برای خانم‌ها.

گفتنی است که معمولاً در کنار مکان‌های زیارتی که زائران و مشتاقان فراوانی دارد، بازار خرید و فروش و تهیه سوغاتی نیز گرم بوده است، به ویژه که در آموزه‌های دین هم تهیه سوغاتی به زائر سفارش شده است،^{۱۸} ولی در هر حال ایجاد سنخیت بین مکان مذهبی (چنان که در نام مغازه‌ها نمایان بود و حتی برخی بر روی شیشه مغازه‌ها جملاتی نوشته بودند که یاد حضرت را زنده می‌کرد، مثل بر جمال مهدی صلوات، اللهم عجل لولیک الفرج و... یا تصاویری که از گنبد مسجد جمکران بر روی برخی مغازه‌ها نصب بود و...) و کالاهای اقتصادی که در آن مکان به فروش می‌رسد نیز ضروری است.

۳. قشری‌گری

گردهم‌آیی تعدادی انسان هم‌فکر و هم‌عقیده پیرامون یک محور به ویژه در یک شب خاص و ساعات محدود فرصت بسیار مناسبی برای بهره‌برداری مفید و حداکثری هم برای زائران و هم برای مسئولان آن مسجد محترم است. جامعه‌شناسان این فرصت‌های عظیم را زمینه‌ای برای کسب سرمایه اجتماعی (Social capital) می‌دانند. سرمایه اجتماعی هم‌ردیف و بلکه بالاتر از سرمایه اقتصادی و انسانی است؛ چون هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر و باکیفیت‌تر باشد، از دیگر سرمایه‌ها نیز بهتر می‌توان بهره برد. در تعریف سرمایه اجتماعی گفته شده که ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازمان‌دهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد، مثل رابطه متقابل داشتن، رفتار غیر خودخواهانه داشتن و...^{۱۹} از جمله ویژگی‌ها که اگر در یک گروه یا جامعه باشد، جزء سرمایه‌های اجتماعی آن مجموعه به حساب می‌آید، موارد ذیل را می‌توان نام برد: جهان‌بینی واحد، ارزش‌های مشترک، هنجارهای یک‌دست، روحیه عدالت‌خواهی، اعتماد میان افراد، تعاون، هم‌دلی و

بنابراین، گردهم‌آیی مشتاقان حضرت در مسجد مقدس جمکران خصوصاً در سه‌شنبه شب که خیل عظیمی از مشتاقان حضور پیدا می‌کنند، بستر و زمینه‌ای مناسب برای تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند باشد که توانایی و ظرفیت‌هایی فراوان برای اصلاح و حل بسیاری از مشکلات جامعه را دارد، مثل تقویت فرهنگ دینی، گسترش ارزش‌ها و هنجارها و در مجموع بالا بردن کیفیت و کمیت سرمایه‌های اجتماعی. برای نمونه، از مشکلات فعلی جامعه ما فرهنگ فردگرایی افراطی در برابر گرایش به جمع و حس تعاون و هم‌یاری است که دین به آن بسیار سفارش کرده^{۲۰} و از خودمحوری و خودبینی مذمت نموده است. خودبینی و لذت‌جویی و رعایت نکردن حقوق دیگران، ناپسند است،^{۲۱} اما بر ایثار و خدمت به دیگران بسیار سفارش شده است. می‌توان چنین روحيات مثبت و دینی را در این اجتماع عظیم ترویج کرد، یعنی مسئولان محترم فرهنگی مسجد

گردهم‌آیی مشتاقان
حضرت در مسجد
مقدس جمکران
خصوصاً در
سه‌شنبه شب که
خیل عظیمی از
مشتاقان حضور
پیدا می‌کنند، بستر
و زمینه‌ای مناسب
برای تقویت سرمایه
اجتماعی می‌تواند
باشد

جمکران چنان برنامه‌ریزی می‌توانند کنند که عاشقان حضرت به چنین ویژگی‌های اخلاقی آراسته شوند که حضرت بقیة‌الله هم بسیار به آنها توجه دارد و از ویژگی‌های رفتاری آن حضرت به شمار می‌روند^{۲۲} و از طرفی از وظایف منتظران نیز شمرده شده است.^{۲۳} از سویی، خود زائران نیز با بهره‌گیری صحیح و تعمق در معارف مهدوی خود را به ویژگی‌های منتظر واقعی باید آراسته نمایند و جامعه منتظر را پدید آورند. اما باید اعتراف کرد از این سرمایه عظیم و پربرکت چنان که باید استفاده نمی‌شود.

برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

- برخی از زائران بیشتر در پی حل مشکلات مالی، جسمی و زندگی شخصی خود هستند (فردگرایی) و از حضرت خواهان رفع آن هستند. این نکته در پرسش‌هایی که از افراد شد، کاملاً نمایان بود، چنان که بیشتر افرادی که عریضه می‌نوشتند و در چاه مخصوص می‌انداختند، رفع نیازهای معمولی زندگی را خواهان بودند؛

- گرایش شدید و زیاد زائران به سمت چاه عریضه، خود دلیل دیگری بر استفاده نکردن مناسب و پربرکت از این مکان شریف است، چنان که بنا بر بررسی حضوری و همراه با مشاهده، در شب چهارشنبه بین ساعت هشت تا ده (اوج شلوغی مسجد و برنامه‌های فرهنگی) در هر دقیقه حدود بیست نفر فقط از آقایان (شواهد نشان می‌دهد گرایش خانم‌ها بیشتر بوده و مسئول فروش عریضه نیز تأکید کرد) وارد محوطه می‌شدند و به طور متوسط ده دقیقه وقت می‌گذاشتند (از تهیه برگ مخصوص عریضه گرفته تا نوشتن و انداختن و بوسیدن در چاه و احیاناً تصویری از آن مکان برداشتن).

هم‌چنین بنا بر گفته مسئول فروش برگ عریضه، به طور متوسط هر شب چهارشنبه بین شش الی هفت هزار برگ عریضه فروخته می‌شود و جالب این که اوج فعالیت فرهنگی مسجد در همان ساعات بین هشت تا ده شب است، از سخنرانی تا دعای توسل و مداحی. اگر فرض را بر شش هزار نفر قرار دهیم و هر فرد ده دقیقه وقت صرف کند، مجموعاً شصت هزار دقیقه برای کارهای فردی صرف شده است و...؛

- از موارد دیگر بهره‌برداری نکردن مفید در آن مکان شریف، وجود صف‌های طولانی برای دریافت غذای متبرک در جلوی

مهدیه فدک (خارج از فضای عمومی مسجد به طوری که صدای بلندگوها هم نمی‌آید) است، چنان که به گفته یکی از مسئولان تهیه و توزیع آب‌گوشت نذری به طور متوسط در هر شب چهارشنبه ۲۰ الی ۲۲ هزار نفر را سرویس می‌دهند و آنچه از بررسی‌ها به دست آمد، هر زائر حداقل نیم ساعت در صف غذا معطل می‌شود، علاوه بر این که چندین مکان در داخل حیاط مسجد آب‌جوش و چای می‌دهند که عده‌ای هم آن‌جا صف می‌کشند. علاوه بر همه اینها زائران وقت زیادی برای تهیه عکس و فیلم‌برداری از خود و خانواده می‌کنند که اگر به طور متوسط هر زائر فقط پنج دقیقه وقت برای این کار بگذارد و ما فرض بر آن بگذاریم که در هر شب چهارشنبه پنجاه هزار نفر زائر در مسجد حضور داشته باشند، چیزی برابر با ۲۵۰ هزار دقیقه (بیشتر از چهار هزار ساعت) وقت تلف می‌شود. علاوه بر همه اینها، فرصت‌های بسیاری است که تعداد زیادی از زائران به ویژه جوان‌ترها در بازارچه هم‌جوار مسجد، برای تهیه سوغاتی می‌گذرانند.

- سطحی‌نگری و قشری‌گری به جای تعمق و دقت‌های علمی حتی در کتب منتشر شده پیرامون حضرت نیز زیاد به چشم می‌خورد. آیه‌الله استادی در این زمینه می‌فرماید:

ذکر روایات غیر صحیح و متشابه در امر مهدویت به جای ذکر فقط روایات موثق و قابل اعتماد و محکم... اگر گرایش به مهدی جزء اعتقادات مردم می‌باشد، چطور می‌تواند به روایاتی ضعیف استناد کرد؟ چرا دقت نکنیم... باید دید روایت مستند است و موثق، بعد با اصول کلی دین سازگار است، آن وقت نقل کرد.^{۲۴}

از جمله انتشارات فعال در امر چاپ کتب پیرامون حضرت، واحد انتشارات مسجد مقدس جمکران است که تلاش‌های وسیعی در این زمینه انجام می‌دهد، ولی به نظر می‌آید سیاست حاکم بر آن مجموعه، همین سطحی‌نگری در چاپ کتب است، چنان که کمتر کتاب علمی و عمیق در امر مهدویت توسط آن مرکز به چاپ می‌رسد و حتی در یک مورد کتابی توسط آن انتشارات چاپ شده که به نظر برخی محققان و اندیشه‌ورزان ضرر آن بیشتر از نفعش است،^{۲۵} یا این که ضرورتی در چاپ آن دیده نمی‌شود؛ چون کتب مفیدتری در همان زمینه وجود دارد. این کتاب ترجمه مرحوم آقای

محمدحسن ارومیه‌ای (مرحوم آقای علی دوانی، ارومیه‌ای را صحیح می‌دانند) تحت عنوان «مهدی موعود» بر جلد سیزدهم بحارالانوار. در مقدمه بر این کتاب، آن را ترجمه نفیسی از سیزدهمین جلد بحارالانوار دانسته‌اند که یکی از عالمان سرشناس قرن سیزده نوشته و بالاتر این که در مقدمه ادعا شده که ترجمه این کتاب کوشیده ضعف‌های ترجمه‌های دیگر را جبران نماید.^{۲۶} ترجمه آقای ارومیه‌ای، برای نخستین بار در عهد قاجار چاپ شده^{۲۷} و تا به حال هشت بار توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران نیز چاپ شده است. محقق و تاریخ‌پژوه معاصر مرحوم آقای علی دوانی در مقدمه‌ای بر ابتدای کتاب «مهدی موعود» که البته به امر آیه‌الله بروجردی به ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار پرداخته، چنین آورده:

... مرحوم محمدحسین سیستانی ... وصیت کرده بود... یکی از نویسندگان روحانی جلد سیزده بحارالانوار را که درباره امام زمان است، به سبک نگارش روز ترجمه کند و با مقدمه مفصل و توضیحات لازم منتشر سازد و از این راه دست‌برد فرقه ضاله بهایی به آن کتاب را برملا سازد و جلو تبلیغات سوء آنان را با نشان دادن ترجمه آن توسط ملاحسن ارومی [همان مهدی موعود دو جلدی که انتشارات مسجد مقدس جمکران تا به حال هشت بار چاپ نموده است] به راه انداخته بودند را بگیرد... ملاحسن ارومی جلد سیزده بحارالانوار را در یک صد سال قبل... ترجمه نموده... این ترجمه خشک و خالی از تذکرات لازم... دست‌آویز خوبی برای فرقه ضاله بهایی، ایادی استعمار پیر انگلیس... ببینید این کتاب جلد سیزده بحارالانوار علامه مجلسی است که ملاحسن ارومی از علمای مسلمین آن را ترجمه کرده است و از طرفی توسط کتاب فروشی اسلامیة قم منتشر شده است. پس کتاب مال بهایی‌ها نیست و حالا ببینید در این جا و آن جای کتاب چه چیزهایی از آیات و روایات درباره عقاید ما بهایی‌هاست. سپس مواردی از آن را که قبلاً آماده ساخته بودند، به اغنام الله و مسلمانان بی‌اطلاع از واقع مسئله امام زمان، نشان می‌دادند و از این راه با تردستی و شیطنت اذهان خالی آنها را از این تلقینات سوء پر می‌کردند و باعث انحراف و جذب آنها به مسلک خرافی و استعماری بهایی می‌شدند.^{۲۸}

به گفته مرحوم دوانی، آیه‌الله بروجردی به ایشان فرموده‌اند که چون مرحوم محمدحسین سیستانی ثلث اموال خود را وصیت کرده که جلد سیزده بحار ترجمه شود، شما این کار را انجام دهید و جلوی سوءاستفاده بهائیت را از آن بگیرید و هر جا آنان به نفع خود بهره‌برداری نموده‌اند، نقد کنید و در پاورقی توضیح دهید.

شما [علی دوانی] کتب فرقه ضاله را مطالعه کنید و هر جا آنها نوشته‌اند: مجلسی در سیزده بحار می‌گوید و با لطایف‌الحیل و شیطنت آن مورد را با مقاصد سوء و شیطنی خود تطبیق کرده‌اند... شما در مقدمه یا در پاورقی توضیح دهید که مطلب چنین نیست و حدیث به این دلیل و آن دلیل ضعیف یا مجهول است، یا چیزی از آن انداخته‌اند یا به آن اضافه کرده‌اند یا ترجمه سابق گنگ و نامفهوم است.

چرا واحد انتشارات مسجد مقدّس جمکران با این که هنوز فرقه ضالّه بهائیت فعال است، بر چاپ آن کتاب اصرار دارد، آن هم بدون هیچ توضیح و رفع ابهامی از آن کتاب، در حالی که برخلاف ترجمه مرحوم آقای دوانی که هم دقت‌های لازم را داشته و هم جلوی سوءاستفاده را گرفته و مدت یک‌سال و نیم برای ترجمه آن وقت گذاشته و به تأیید آیة‌الله بروجردی نیز رسیده، ترجمه آن نامفهوم است.

ترجمه آقای ارومیه‌ای علاوه بر این که روان نیست و پیچیده است، زمینه سوء استفاده بهائی‌ها را می‌تواند فراهم کند. از طرفی، خود مرحوم ارومیه‌ای نیز در مقدمه ترجمه خود به ضعف و ناآمادگی خود برای ترجمه اشاره می‌کند (با دقت در متن به غیر سلیس بودن آن می‌توان پی برد). در مقدمه همان کتاب که توسط مسجد مقدّس جمکران چاپ شده، آمده است:

... با این که به سبب تلاطم امواج فتن و تهاجم امواج محن و ناسازگاری زمان نسبت به خود و یاران به پریشانی خاطر و تفرّق حواس و مشاعر ابتلا داشتم، خلعت عربیت را از بر و دوش غفرانی معانی آن خلع به لغت فارسی نقل نمودم... به طرزى که تطابق مضامین ترجمه را با اصل کتاب در جمیع ابواب مرعی و منظور داشتم، مگر در بعضی از مواضع مشکله و عبارات معطله.

نکته دیگر این که آقای ارومیه‌ای محقق مشهوری نبوده است، چنان که مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی از او فقط به عنوان یکی از دانش‌مندان و ادیبان روزگار خویش نام می‌برد، حال آن که واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران در مقدمه بر همان ترجمه او را از علمای بارز قرن سیزده معرفی کرده است.^{۳۶}

مطلب پایانی این که ترجمه آقای ارومیه‌ای یک‌بار پس از انقلاب توسط انتشارات اسلامی چاپ شد که با اعتراض برخی اندیشه‌ورزان از چاپ مجدد آن جلوگیری کردند، ولی بار دیگر توسط انتشارات مسجد مقدّس جمکران منتشر شد.

شهید مطهری، متفکر و اندیشه‌ورز معاصر، در زمینه چاپ و نشر کتب مذهبی و ضعف‌های موجود آن می‌فرمایند:

انتشارات مذهبی از نظر نظم وضع نامطلوبی دارد. بگذریم از آثار و نوشته‌هایی که اساساً مضر و مایه بی‌آبرویی است.

آثار و نوشته‌های مفید و سودمند ما نیز با برآورد قبلی و براساس محاسبه احتیاجات و درجه‌بندی ضرورت‌ها بنا نشده است. هرکس به سلیقه خود آنچه را که مفید می‌داند می‌نویسد و منتشر می‌کند. چه مسائل ضروری و لازم که یک کتاب هم درباره‌اش نوشته نشده است.^{۳۰}

حضرت امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب که انقلاب ما را مقدمه ظهور می‌دانست،^{۳۱} در زمینه چاپ و نشر کتب می‌فرماید:

کتاب‌هایی را که می‌خواهید منتشر کنید حتماً بدهید عده‌ای از فضلا بخوانند و نظر بدهند و خودتان دقیقاً بررسی کنید... توجه داشته باشید کتاب‌ها و چیزهای دیگری که از قم منتشر می‌شود، غیر از کتاب‌هایی است که در سایر شهرها منتشر می‌شود. قم شهر علم و اسلام است، اگر خطایی از قم منتشر شود، در دنیا علم می‌شود. این موضوع باید مورد توجه باشد که از قم چیز خلافی منتشر نشود.^{۳۲}

۴. ارتباط گسسته و مقطعی

از جمله آسیب‌های اجتماعی در گرایش به مهدی، ایجاد رابطه موقت و گسسته با حضرت است، اعم از ارتباط مقطعی در زمانی خاص مثل روز جمعه یا شب چهارشنبه یا روز و شب نیمه‌شعبان، یا ارتباط در مکان‌های خاص مثل مسجد مقدّس جمکران، مهدیه، مسجد سهله، محل برگزاری دعای ندبه و...

بنابر روایات، این گرایش باید پیوسته باشد و در همه عرصه‌های زندگی حضور داشته باشد. لذا بنابر روایات «انتظروا الفرج مساءً و صباحاً؛ هر صبح و شام منتظر فرج باشید» و روایاتی که به انتظار سفارش کرده‌اند، قید زمانی و مکانی ندارند، بلکه مطلق هستند و شامل تمام زمان‌ها و مکان‌ها می‌شوند. حضور در جمکران، مهدیه، دعای ندبه، خواندن دعای فرج و سلامتی حضرت و... از مصادیق انتظار است، نه تمام آن. هم‌چنین سفارش به پی‌گیری و خواندن برخی دعاها در عصر غیبت، مثل دعای «اللهم عرّفنی نفسک...»،^{۳۳} در رفتار برخی از منتظران و مهدی‌باوران، گرایش به مهدی در همین تظاهرات بیرونی خلاصه شده، نه این که مهدی‌گرایی بی‌پای در سطح رفتارهای آنان اعم از رفتارهای فردی

و اجتماعی جاری و ساری باشد.

برای نمونه، بسیاری از مهدی‌باوران عزیز فقط در این گونه زمان‌ها و مکان‌ها به یاد حضرت هستند و خود در پی کسب معارف و اندیشه‌های مهدوی نیستند. لذا یاد و نام حضرت در مکان‌ها و زمان‌های خاص بیشتر نمود دارد، ولی در سطح خانواده‌ها، مجالس فامیلی، محیط کار، مدرسه و... حتی یاد و نام معمولی مثل وجود تابلویی یادآور آن حضرت در خانه یا تصویری از مکانی منتسب به حضرت... کمتر نمایان است یا اصلاً بروزی ندارد. در رفتارها به‌ویژه رفتارهای اجتماعی و برخورد با دیگران نیز باید گرایش به حضرت حجت نمایان باشد، به طوری که باید تفاوت واضح و آشکاری میان یک مهدی‌باور و غیر او در تمام حرکات و رفتارها، پوشش، کلام، نگاه... وجود داشته باشد، که متأسفانه این گونه نیست؛ مهدویت‌گرایی به مکان‌ها و زمان‌های خاص منحصر شده و استمرار ندارد. لذا چه‌بسا زائری سه‌شنبه شب که به جمکران آید تا سه‌شنبه شب دیگر به زندگی خود مشغول باشد و زندگی و فعالیت‌های جدا از باور به مهدی و پسندیده حضرت پی گیرد. در واقع، یاد و ذکر حضرت و بروز و ظهور باور به آن حضرت در رفتارها فقط در مکان و زمانی خاص، نوعی زندگی کردن سکولاری است.

باور به مهدی و عمق بخشی به آن، آن گونه باید باشد که افراد از همان ابتدای کودکی که اجتماعی (جامعه‌پذیر) می‌شوند، با این باور اجتماعی شوند و رشد نمایند؛ وقتی که یاد و نام حضرت به زمان و مکان خاصی منحصر نشود. این مورد حتی در برنامه‌های فرهنگی مسجد مقدس جمکران نیز نمایان است، چنان‌که جز سه‌شنبه شب و تا حدودی شب و روز جمعه، در دیگر ایام اگر فعالیت‌های فرهنگی به جز فروش کتاب تعطیل نباشد، باید گفت بسیار ضعیف است، چنان‌که حتی اگر زائری پرسشی پیرامون حضرت داشته باشد، کمتر به جواب موفّق می‌شود؛ چون کیوسک‌های مربوط فعال نیست. گفتنی است که در مدینه منوره در مسجدالنبی گوشی‌های تلفن در مکان‌های فراوان نصب کرده‌اند و به طور شبانه‌روز آماده پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و دینی زائران هستند، آن هم به گونه شایسته.

۵. روابط اجتماعی ناسالم مهدی‌باوران

رفع نیازهای یک‌دیگر از اهداف زندگی اجتماعی و برقراری روابط میان انسان‌هاست.^{۳۳} برخی جامعه‌شناسان جامعه را چنین تعریف کرده‌اند: عده‌ای از افراد که برای ارضای نیازهایشان با هم روابط اجتماعی دارند.^{۳۵} رفع نیازهای فرزندان از مهم‌ترین کارکردهای خانواده به شمار می‌رود که اجتماعی کوچک است.^{۳۶} نیازهایی در همه انسان‌ها وجود دارد، به طوری که به تنهایی آنها را نمی‌توانند برآورده سازند. از طرفی هر چه بین عده‌ای وابستگی بیشتر و به تعبیری دیگر، روابط شدیدتر باشد، یعنی افراد احساس نزدیکی بیشتری به هم کنند، انتظار رفع نیازها نیز بیشتر می‌گردد،^{۳۷} چنان‌که برای نمونه، اعضای یک خانواده چون رابطه نزدیک‌تر و عمیق‌تری با یک‌دیگر دارند، در رفع نیازهای

باور به مهدی و عمق بخشی به آن، آن گونه باید باشد که افراد از همان ابتدای کودکی که اجتماعی (جامعه‌پذیر) می‌شوند، با این باور اجتماعی شوند و رشد نمایند؛ وقتی که یاد و نام حضرت به زمان و مکان خاصی منحصر نشود

یک‌دیگر بیشتر کوشا هستند.

مذهب و آموزه‌های دینی از جمله عواملی است که روابط اجتماعی را فزونی می‌بخشد و به واسطه آن افراد احساس نزدیکی بیشتری به یک‌دیگر می‌کنند. از این‌رو، دین اسلام، بحث حقوق متقابل برادران دینی را مطرح می‌کند و بسیار بر آن تأکید می‌نماید، چنان‌که در روایتی وارد شده که شخصی خدمت حضرت صادق رسید و از او پیرامون حقوق برادران دینی پرسید که حضرت از پاسخ بدان طفره رفتند و وقتی پرسنده اصرار کرد، حضرت فرمودند: «می‌ترسم بگویم و تو نتوانی انجام بدهی...» آن‌گاه نخستین و راحت‌ترین حق را این‌گونه مطرح می‌فرمایند: «هر آن‌چه بر خود می‌پسندی بر او هم بیسندی و هر چه بر خود نمی‌پسندی، بر او هم نپسندی.»^{۳۸} در واقع، این روایت و امثال آن و سیره عملی اهل بیت به این مطلب اشاره دارد که فزونی نزدیکی مؤمنان به هم، به دلیل اشتراک در آموزه‌های دینی و مذهبی بسیار عمیق و شدید است: «المسلم أخ المسلم»^{۳۹} و پیرو آن، انتظار برای رفع نیازهای متقابل نیز شدید است.

بنابراین، مهدی‌باوران که در اعتقاد و باور به حضرت اشتراک دارند و در ابراز این علاقه به حضرت و نمود ظاهری آن نیز مشترک شده‌اند (حضور در مسجد مقدس جمکران)، باید برای رفع نیازهای یک‌دیگر کوشا باشند که روایات نیز به این نکته اشاره می‌کند: «هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد.»^{۴۰} اما مع‌الأسف روابط اجتماعی مهدی‌باوران که براساس اندیشه مهدوی باید نزدیک و صمیمی باشد، حتی در مسجد مقدس جمکران آن‌گونه نیست که رفع نیازهای دیگران در اولویت باشد، یا حداقل حقوق هم‌دیگر را خوب رعایت نمایند، بلکه روابط بیشتر براساس منافع شخصی می‌نمایند تا رفع نیازهای دیگران. برای نمونه، بسیاری از افراد با وسیله شخصی به جمکران می‌روند یا برمی‌گردند و بارها مشاهده شده که در هوای سرد یا گرم مسافرانی منتظر وسیله نقلیه هستند، ولی کسی آنان را سوار نمی‌کند، به‌رغم این‌که امکان آن وجود دارد. حتی گاه مشاهده شده که به یک‌دیگر اهانت می‌کنند و یا برخی خانم‌ها آزار و اذیت می‌بینند. هم‌چنین از وسایل شخصی وسایل نقلیه سرقت‌هایی می‌شود. گرانی کالاهایی که به فروش می‌رود، نزاع‌های لفظی میان برخی زائران آن‌هم به

دلیل مسائلی چون محل نشستن، مکان پارک ماشین و... از دیگر موارد است.

۶. تقدس‌زدایی

مسجد در فرهنگ اسلامی تقدس ویژه‌ای دارد؛ «خیر البقاع المساجد»^{۴۱} و لذا آداب و احکام ویژه‌ای برای آن برمی‌شمرند، اعم از آداب ظاهری و بالاتر آداب روحی و معنوی.^{۴۲} این باور در دیگر ادیان هم وجود دارد که برخی مکان‌ها مقدس هستند، مثل کنیسه و کلیسا. برخی از مساجد به دلیل ویژگی که دارند، از تقدس ویژه‌ای نیز برخوردارند، مثل مسجدالحرام و مسجدالنبی و از جمله مسجد مقدس جمکران که در واقع به دستور مبارک حضرت حجت بنا شده است.^{۴۳} لذا از هنگام تأسیس آن مسجد، علمای بزرگ رعایت ادب حضور در آن مکان مقدس را نموده‌اند و حتی در گفتار و نوشتار نیز بر این نکته توجه داشته‌اند. چنان‌که این تقدس درباره برخی شهرها و ماه‌های سال، مثل رمضان، شعبان و یا مشهد و قم در گفتار و نوشته‌های عالمان گذشته زیاد به چشم می‌خورد. چون این کار پسندیده، حرمت برخی زمان‌ها و مکان‌ها را یاد می‌آورد و باعث حفظ تقدس آن موصوف نیز می‌گردد، چنان‌که نسل‌های جدید نیز با دیده‌ای از سر تقدس به آن پدیده می‌نگرند و احترام به آن مکان‌ها و زمان‌ها در وجودشان نهادینه می‌شود. البته در سایه حفظ تقدس آنها از کارکردهای مثبت آن مکان و زمان‌ها نیز بهره‌مند خواهند شد، مثل ایجاد وحدت و هم‌دلی، کسب دانش و معرفت، خدمت‌رسانی به یک‌دیگر و... اما به نظر می‌رسد برخی رفتارها و گفتارها به گونه‌ای است که تقدس آن مسجد با عظمت را زیر سؤال می‌برد که به تبع آن کارکردهای اجتماعی و دینی آن نیز کم‌رنگ خواهد شد.

در این باره نمونه‌هایی از رفتارهای تقدس‌زدا در پی می‌آید: یکم. استفاده افراطی از فضای مسجد برای محل تفریح و استراحت و تهیه غذا و صرف آن، به طوری که بارها مشاهده شده که بسیاری از کاروان‌ها و خانواده‌ها حتی وسایل آشپزی را وارد مسجد می‌کنند و در آن‌جا غذا تهیه و سپس میل می‌نمایند و حتی بارها مشاهده شده که در همین جمع‌های خانوادگی قلیان نیز استعمال می‌کنند. البته شاید غذا پختن و صرف آن چندان به قداست آن مکان مقدس لطمه‌ای نزنند، ولی شستن ظروف،

ریختن آشغال در فضا، قلیان کشیدن، خوابیدن و... ممکن است فضا را عادی کنند. در روایتی از این گونه مسائل در مساجد نهی شده است. رسول خدا فرموده است:

جَنِّوْا مَسَاجِدَکُمْ مَجَانِنَکُمْ وَ رَفَعْ أَصْوَاتَکُمْ وَ شَرَاءَکُمْ وَ بَیْعَکُمْ وَ الضَّالَّةَ...^{۴۴}
مساجد خود را از دیوانگان، صدای بلند، خرید و فروش... دور نگه دارند.

دوم. حضور در فضای مسجد با پوشش نامناسب، چنان که برخی خانم‌ها چندان رعایت پوشش خود را نمی‌نمایند و همین زمینه رشد و فراگیر شدن این ناهنجاری در آن مکان می‌شود. براساس نظریه راجرز، فرآیند رشد و انتشار یک پدیده (بدحجابی) به این صورت است که ابتدا گروهی اندک (عمدتاً از قشر بالا) پدیده‌ای (بدحجابی) را وارد جامعه می‌کنند و به دنبال آن اکثر زودباور نیز آن پدیده را قبول و اجرا می‌کنند تا این که آن پدیده هر چند با ارزش‌های جامعه هم‌خوانی نداشته باشد، در گذر زمان فراگیر می‌شود و اگر نگوییم اکثر ولی بسیاری آن پدیده را قبول می‌کنند و در عمل جاری می‌سازند،^{۴۵} مثل فضای برخی امام‌زاده‌ها مانند امام‌زاده داوود در تهران و امام‌زاده هاشم در جاده هراز به ویژه آنها که در مکانی تفریحی و خوش آب و هوا واقع شده، جلوه‌های مذهبی و معنوی در آنها خیلی کم‌رنگ است، ولی مظاهر و زمینه‌های دنیاگرایی و فساد آشکار و فراوان می‌نماید (مشاهدات عینی).

سوم. اختلاط‌های افراطی آقایان و خانم‌های زائر، به طوری که تقریباً فقط در مسجد اصلی (زیر سقف) طرح تفکیک بین آقایان و خانم‌ها ایجاد شده است. بارها مشاهده شده که از مسیر ورودی شماره دو تا مسجد مقدس خانوادگی زیادی در مسیرهای تردد، دراز کشیده و خوابیده‌اند (تابستان ۱۳۸۶)، چنان که بسیاری از خانم‌ها بدون روپوشی مناسب، در کنار مردان خانواده می‌خوابند و مردم دیگر از کنار آنان می‌گذرند. در واقع، این امر نشان می‌دهد که رعایت حریم‌ها چندان جدی گرفته نمی‌شود و از طرفی، مکان‌های مناسب و کافی برای استراحت زائران در نظر گرفته نشده است.

چهارم. شاید بتوان گفت اوج اختلاط‌ها در شب‌های چهارشنبه هنگام ورود و خروج به فضای مسجد است که علی‌رغم تمهیدات مسئولان محترم و ویژه‌سازی برخی ورودی‌ها برای آقایان و خانم‌ها، متأسفانه در بسیاری از موارد، زائران این نکته را رعایت نمی‌کنند. پنجم. در بازارچه پانزده شعبان که ذکرش به میان آمد، شدت اختلاط‌ها چنان نامناسب است که در برخی مسیرها گفتنی نیست.

ششم. استفاده از تلفن همراه در فضای اصلی مسجد، تهیه عکس و فیلم‌برداری به صورت افراطی با دوربین‌های دیجیتالی و تلفن همراه نیز از عوامل زدودن تقدس از آن مکان شریف می‌تواند باشد، در حالی که تابلوهای متعدّد توسط مسئولان محترم مسجد مبنی بر ممنوعیت تصویربرداری نصب شده، برخی از زائران محترم توجهی به آن نمی‌کنند.

هفتم. جا گذاشتن آشغال در گوشه و کنار مسجد اصلی خصوصاً کنار ستون‌ها و دیوارها

مثل پوسته تخمه و پسته، ته سیگار، پوست شکلات، دستمال کاغذی و... که بارها مشاهده شده است.

هشتم. خوابیدن، بلند سخن گفتن و خندیدن، طرز نشستن برخی زائران محترم در داخل مسجد مثل دراز کردن پاها در جمع بقیه، به گونه‌ای است که نوعی بی‌حرمتی به آن مکان شریف است و چنین تصوّر می‌شود که نتیجه‌اش زدودن تقدّس از آن مکان محترم است.

همه مواردی که گذشت، سبب خواهد شد که نسل‌های آینده و کودکان که همراه والدین به آن مکان گران‌قدر می‌آیند، کم‌کم درباره آن‌جا احساس عادی کنند و تقدّس آن مکان در وجودشان نهادینه نشود و فقط حضور برایشان مهم باشد و پیرو آن، از آثار اجتماعی و دینی آن مکان مقدّس بی‌بهره بمانند.

شایسته است از مسئولان، کارمندان و خادمان افتخاری مسجد مقدّس جمکران به دلیل احترام‌گذاری به آن مکان شریف و فعالیت‌های فرهنگی که در این زمینه انجام می‌دهند، مثل به کار بردن واژه «مقدّس» برای مسجد در تابلوها، عنوان کتب و انتشاراتی، در بیان مداحان و مجریان و... سپاس‌گزاری نمود. ناگفته نماند که هرچه تقدّس مکانی یا زمانی بیشتر باشد، انسان‌ها برخی حریم‌ها را بهتر رعایت می‌کنند و مرتکب بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی نمی‌شوند، مثل ماه مبارک رمضان که براساس گفته مسئولان، آمار جرم و جنایت به طور محسوسی کاهش می‌یابد و لذا هرچه تقدّس مسجد جمکران بیشتر حفظ شود، رفتارهای نابهنجار کمتر تحقق خواهد یافت که از طرفی کانونی برای آمادگی افراد جامعه برای ظهور می‌تواند و ساخته شدن منتظران ظهور باشد.

۷. غلبه روی‌کرد عاطفی و ضعف روی‌کرد معرفتی

آموزه مهدویت به منزله می‌تواند به آرمانی بشری در سطح بین‌الملل می‌تواند مطرح گردد و آن‌گاه بخش بزرگی از حیات فردی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی انسان‌ها و جوامع را دربر گیرد و بسیاری از معضلات، به ویژه مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی را مانع و دافع شود.^{۴۶}

آموزه مهدویت و باور به مهدی و منجی آخرالزمان، روح امید به آینده‌ای روشن را در انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی زنده می‌کند

که پیرو آن تحرک، پویایی، رشد جامعه، گروه، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و... به دنبالش قطعی است. انسان ناامید سریع تسلیم حوادث می‌گردد و قدرت عوض کردن وضع موجود را ندارد و استعدادهای خود را ناچیز می‌گیرد و برای رفع ضعف‌ها و جبران آنها نمی‌کوشد؛ چون امیدی به بهبودی ندارد. امید در تمام ابعاد زندگی اجتماعی نقش مهمی دارد و باور به مهدی پیام‌آور این امید است، اما این باور وقتی می‌تواند امید بخشد که به همه جنبه‌های آن توجه شود و به بخش‌های ویژه‌ای از آن توجه افراطی نشود که متأسفانه در رفتار برخی از مهدی‌باوران، توجه افراطی به ابعاد عاطفی و احساسی مهدی‌گرایی می‌شود. البته توجه به ابعاد عاطفی لازم است، اما به شرطی که از ابعاد دیگر معرفتی و شناختی آن غفلت نشود.

برای نمونه، به برخی از موارد توجه افراطی به جنبه‌های عاطفی و احساسی اشاره می‌شود:

یکم. تکبیرگوی محترم در شب‌های چهارشنبه در هنگام اقامه نماز جماعت وقتی امام در رکعت دوم دست برای قنوت بلند می‌کند، می‌گوید: «اللهم کن لولیک الفرج» در نماز مغرب و «اللهم عجل لولیک الفرج» در نماز عشاء (منحصر به یک شب چهارشنبه خاص نیست) در حالی که معمولاً «کذلک الله ربی» می‌گویند. ناگفته نماند که حالت و سبک گفتن نیز بسیار عاطفی و همراه با شور است؛

دوم. همان تکبیرگو پس از پایان نماز عشاء، ابتدا با حالتی حزین دعای «الهی عظم البلاء...» را می‌خواند و وقتی به «یا مولای یا صاحب‌الزمان» می‌رسد، با حالت گریه آن را تکرار و بعد از آن دعای سلامتی حضرت را «اللهم کن لولیک...» می‌خواند؛ سوم. مجری برنامه که قبل از سخن‌رانی نکاتی را یاد می‌آورد، بیشتر به گونه عاطفی به شرح حال برخی علما در آمدن به جمکران می‌پردازد؛

چهارم. فراوانی ذکر مصیبت در هنگام دعای توسل چنان‌که معمولاً در طول دعا دست‌کم پنج بار ذکر مصیبت طبیعی و قطعی است؛

پنجم. آراستن کیوسک‌ها، اطراف چاه عریضه، صندوق‌های جذب هدایا و... به رنگ سبز، خلاصه این‌که تلاش شده رنگ سبز نمود خاصی داشته باشد و احساسات را تحریک نماید؛

ششم. تهیه و توزیع نوار لوح‌های فشرده احساسی و عاطفی در واحد سمعی و بصری، چنان‌که به گفتهٔ مسئول محترم آن، همهٔ نرم‌افزارهای تهیه شده توسط آن واحد به شرح ذیل است: نجوای عارفان، فیض حضور، آرام جان، قرار سبز، نوای انتظار ۱ و ۲، شمس ولایت، تشنه لب، فرات، نینوا، بی‌قرار، زمزمه‌های فراق، ندبه‌های فراق، فریادرس، یادگار کربلا، کاروان کربلا، قلب صبور، بانوی بی‌نشان (۱)، فاطمیون، مسافر، گل‌چین سرداران، مناجات با امام زمان و شعرخوانی مرحوم آغاسی. تقریباً ۲۲ مورد نرم‌افزار فوق، جنبهٔ احساسی و عاطفی دارد و شامل مولودی، مداحی، مناجات با حضرت و... است. از طرفی، در فهرست کامل محصولات فرهنگی - رسانه‌ای آن واحد برای فروش، ۱۴۰ عنوان سی‌دی و نوار کاست موجود بود، اعم از آنچه خود آن واحد تهیه کرده یا مراکز دیگر که از آن تعداد فقط ۳۷ مورد جنبهٔ آموزشی و معرفتی داشت که عمدتاً سخن‌رانی بود؛ هفتم. در مراسم ویژهٔ ایام نیمه‌شعبان و جشن‌های آن نیز امور احساسی و عاطفی غلبه دارد، چنان‌که در شب نیمه‌شعبان سال گذشته (۱۳۸۵) و شب قبل و بعد آن، مسئولان فرهنگی مسجد در هر شب دوازده ساعت برنامه در نظر گرفته بودند که از آن میزان، جای‌گاه برنامه‌های عاطفی و احساسی تقریباً دو سوم بوده است، شامل مداحی، هم‌خوانی، شعرخوانی، دعا و زیارت و اجرای برنامهٔ مجری.

هشتم. واحد انتشارات مسجد مقدس جمکران علی‌رغم تلاش گسترده برای چاپ کتب پیرامون حضرت در سطح وسیع و شمارگان زیاد و زحمات فراوانی که مسئولان دل‌سوز آن بر عهده گرفته‌اند، به چاپ کتاب‌های احساسی و عاطفه‌ای گرایش دارند، چنان‌که از مجموع ۱۱۶ کتاب دربارهٔ حضرت حجت که توسط آن انتشاراتی محترم چاپ شده است (تا پایان سال ۱۳۸۵)، تعداد حدود ۵۲ مورد تقریباً با گرایش عاطفی بالاست. برخی از عناوین کتب منتشر شده از این قرار است: *مهربان‌تر از مادر، مسافر گم‌شده، عطر یاس، در آسمان عشق، تشریف‌یافتگان (چهار دفتر)، بهتر از بهار، آن آشنا آمد، یار غایب از نظر (مجموعه اشعار)، نامه‌های جوانان به امام زمان، نامه‌های دختران به امام زمان، نامه‌های پسران به امام زمان، مهر بی‌کران، گردی از ره‌گذر دوست، انتظار بهار و باران، خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)، داغ شقایق (مجموعه اشعار)، سرود سرخ انار، سقا خود تشنه دیدار، عریضه‌نویسی، کرامات مهدی و...*

نهم. گرایش زیاد زائران به عریضه‌نویسی، دریافت آب‌جوش و غذای نذری حضرت، بوسیدن زمین مسجد در بدو ورود، سلام دادن به ساحت مقدس حضرت هنگام ورود و خروج، بوسیدن دیوارهای اطراف محراب که با رنگ سبز آراسته شده، بلند شدن به احترام حضرت و دست بر سر گذاشتن به هنگام شنیدن نام آن بزرگوار و... که مطلوب و بدان سفارش هم شده،^{۴۷} در مقایسه با ضعف رفتارهایی چون هم‌یاری، ایثار، اخلاق مهدی‌پسند، و ضعف شناخت و معرفت به حضرت، از موارد گرایش افراطی به احساسات و عواطف در باب مهدویت است. برخی افراد سودجو نیز از این گرایش افراطی عواطف و احساسات زائران بهره می‌گیرند. برای نمونه، در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۸۶، سه‌شنبه

ساعت ۱۰ - ۱۱ پدر و پسری با پوشش کاملاً احساس برانگیز (عبا بر دوش و شال سبزی بر گردن پدر و لباس سبزی عربی با شال سیاه بر کمر پسر) در گوشه‌ای از خیابان منتهی به مسجد با خواندن مصیبت حضرت ابوالفضل (تحریک شدید احساسات)، زائران را که بیشتر با پای برهنه در حال ورود به مسجد بودند (اوج و غلیان احساسات)، به کمک کردن به خود وا می‌داشتند. کلماتی که آن دو می‌گفتند، بسیار عاطفی و احساسی بود، مثل: «ابالفضل حاجت شما را بدهد»، «تو زائر هستی و اگر به من کمک کنی، دل مرا شاد کرده‌ای، ان‌شاءالله مرادت را بگیری» و...

دهم. پخش نوارهای احساسی درباره حضرت مهدی مثل ناله فراق و... در برخی مغازه‌ها که محتوای داخل مغازه هیچ سختی با مسجد مقدس جمکران و مسئله مهدویت ندارد و بلکه در تعارض با مسئله انتظار است، مثل فروش پوسته‌های رنگی از زنان سر برهنه، شعرهای عاشقانه به همراه عکس همان مدل زن‌ها در متن پوستر، عروسک‌های متعدد با شکل و شمایل غربی و پوشش مبتذل و آوازخوان. این‌گونه افراد با تحریک احساسات زائران و جذب آنان به سمت مغازه خود در صدد فروش کالای خود هستند.

بنابراین، وقتی احساس و عواطف غلبه کند و معرفت متناسب با آن رشد نیابد، بروز چنین رفتارهایی دور از انتظار نیست، حتی رفتارهایی به چشم می‌خورد که تعجب بسیاری از خود زائران را نیز برمی‌انگیزد. برای نمونه، در تاریخ یکم خرداد سال ۱۳۸۶ سه‌شنبه ساعت یازده ورودی شماره پنج، مردی کمابیش ۵۰ ساله در ورودی به حالت سجده افتاده بود و زنجیری را که جلوی در بود (تا موتور سوارها نتوانند وارد شوند و بخشی از آن روی زمین افتاد بود) دور گردن خود انداخته بود. نزدیک ده دقیقه گذشت که بلند شد، نشست و زنجیر را روی چشم خود گذاشت و بوسید و سپس بلند شد و ایستاد و چند قدم به جلو رفت و باز چند دقیقه‌ای ایستاد و همین‌طور چند مرحله می‌ایستاد و حرکت می‌کرد، چنان که تقریباً هر کس او را می‌دید، برایش تعجب داشت.

بروز چنین حرکاتی شاید از باب تبرک و احترام به حضرت باشد، ولی ممکن است به برخی رفتارهای کاملاً ناهنجار انجامد، مثل با خود بردن اشیای مسجد برای تبرک، چنان که بسیار پیش آمده که برخی افراد از بنده می‌پرسیدند آیا بردن تسبیح مسجد به

بیرون برای تبرک اشکال دارد.

کسی مخالف ابراز احساسات و عواطف و وجود آنها در مهدی‌باوران نیست، ولی محبت و عاطفه قبل از شناخت یا کمتر از شناخت و جای‌گزین محبت به جای معرفت همراه با محبت می‌تواند منجر به رفتارهای خارج از عرف دینی و حتی غلو شود.^{۴۸}

یازدهم. مورد دیگر در زمینه غلبه احساسات و محبت و ضعف معرفت، آرزوهای بدون عمل است. برای نمونه، شاید برخی از زائران مسجد مقدس جمکران، آرزویشان شهادت در رکاب حضرت باشد، چنان‌که وقتی مدّاح دعا می‌کند که خدایا به حق مهدی ما را در زمره شهدای در رکاب حضرت قرار بده که دعای بسیار شایسته و سفارش شده‌ای هم است، آمین بلند می‌گویند و یا این‌که در ادعیه درباره حضرت مثل دعای عهد این حاجت را تقاضا می‌کنند، ولی در عمل از آن‌چه شهادت را به خاطرش طلب می‌کنند، غافلند؛ چون در واقع شهادت در رکاب حضرت برای تحقق اهداف بلند حضرت مثل عدالت‌گستری، شرک‌زدایی، رواج عبودیت و بندگی حضرت حق در سطح زمین و... است و حتی عدالت هم هدف نهایی نیست، بلکه عدالت زمینه‌ساز عبودیت و بندگی است. حضرت آیه‌الله مصباح در این زمینه می‌فرمایند:

برقراری حکومت اسلامی و گستراندن عدل در روی زمین به دست توانای حضرت ولی‌عصر خود مقدمه‌ای برای تأمین هدف والاتری است و آن این‌که زمینه‌ای فراهم شود تا بیشتر انسان‌ها بتوانند به بیشترین مراتب معرفت لایق برسند. وجود ستم‌ها و نابرابری‌ها سبب می‌شود تا انسان‌ها درگیر مسائل مادی زندگی شوند و به جان هم بیفتند و بدین‌سان فرصتی برای رشد معنوی و تکامل روحی خویش نیابند. هنگامی که بساط ظلم برچیده شد و در پرتو حکومت عدل جهانی، زندگی عادلانه‌ای برای همه افراد بشر برقرار شد، تازه برای انسان‌ها زمینه‌ای فراهم می‌شود که به سوی هدف نهایی خلقتشان حرکت کنند.^{۴۹}

استناد ایشان بر این مطلب آیه قرآن است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ۚ

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.

در نهایت می‌فرماید: همهٔ اموری که ذکر شد، مقدمه است برای هدف نهایی که *يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا*.

بنابراین، آرزوی شهادت در رکاب حضرت بسیار خوب است، ولی باید توجه داشت که شهادت‌طلبی هدف نهایی نیست، بلکه مهم‌تر احیای اموری است که در راه آنها جان دادن سزاوار است. برخی از مهدی‌باوران چنین آرزو دارند، ولی در رفتارهایشان نمودی از اهداف آرزوی شهادت نمایان نیست یا این که بسیار کم‌رنگ است؛ زیرا عواطف و احساسات بدون پشتوانه معرفت و شناخت به حضرت مهدی در وجودشان نهادینه شده است.

دوازدهم. گرایش به نوارهایی که عمدتاً احساس برانگیز است، عواطف را تحریک می‌کند و شور می‌آفریند. نوارگرایی بر محور شور و احساس در وجود مهدی‌باوران و زائران مسجد جمکران اوج می‌گیرد، چنان که بارها صدای این گونه نوارها از داخل ماشین شخصی زائران به گوش می‌رسد و یا برخی کاروان‌های زیارتی که در ماشین و حتی در هنگام ورود به مسجد، چنین نوارهایی را پخش می‌کنند. تهیه و خرید زیاد این گونه نوارها از نوارفروشی‌های جمکران و تعداد زیاد فروشندگان و مغازه‌های فروش چنین نوارهایی، دلیل استقبال زیاد زائران است، چنان که حتی در برخی مغازه‌ها که محصولات خوراکی به فروش می‌رود نیز این گونه نوارها برای فروش موجود است.

۸. عدم تناسب سطح معارف مهدی‌باوران با عصر حاضر

بحران کیفیت از مسائل و مشکلات نظام‌های آموزشی کشورها در دوران کنونی است، چنان که دانش‌آموزان مدارس نسبت به هم‌سالان خویش در سال‌های گذشته از جهت شناخت و آموزش در سطح پایین‌تری قرار دارند. این مشکل حتی در جوامع صنعتی نیز مشاهده می‌شود و چه بسا در جوامع دیگر بیشتر هم باشد،^{۵۱} لذا سطح کیفی تحقیقات علمی از گذشته پایین‌تر آمده و مقالات، کتب، حتی پایان‌نامه‌ها نیز از کیفیت چندانی برخوردار نیست. این نکته با بررسی اجمالی و مقایسهٔ کتاب‌های علمای قدیم با همهٔ محدودیت‌ها دربارهٔ معارف دینی با آن‌چه در دوران معاصر نوشته می‌شود، به دست می‌آید.

این آسیب در بخش آموزش و تعلیم، دامن‌گیر آموزش‌ها و معارف دینی از جمله مهدویت‌گرایی نیز شده است، چنان که سطح معلومات و معرفت اکثر مهدی‌باوران دربارهٔ حضرت و وظایف خود در عصر غیبت بسیار پایین‌تر از معمول در دوران آخرالزمان است؛ چرا که هرچه بحران‌ها شدیدتر باشد و عوامل ایمان‌زا فراگیرتر شود، چنان که براساس روایات در آخرالزمان این‌گونه است،^{۵۲} عمق بخشیدن به باورهای دینی از جمله مهدویت ضروری‌تر است. بارها به مسئلهٔ زیر اشاره شده است:

حفظ و گسترش اعتقاد دینی و شناخت درست اعتقادی و عملی... در روزگار متصل به ظهور، مفیدتر بلکه لازم‌تر است، چنانچه در احادیث رسیده است.^{۵۳}

بی‌شک دوران کنونی آخرالزمان است. آیه‌الله مصباح در این باره می‌فرماید:

عقیده و ایمان در این زمان در معرض خطرهای جدی قرار گرفته است، همان‌طور که چنین فتنه‌هایی را برای دوران آخرالزمان پیش‌بینی فرموده‌اند: «یصبح الرجل مؤمناً و یمسی کافراً...» امروز همان روزگاری است که ایمان‌ها خیلی راحت از دست می‌رود.^{۵۴}

از جمله مواردی که بر تلاش برای حفظ ایمان در عصر غیبت و دوران آخرالزمان دلالت دارد، تأکید و سفارش به مداومت و استمرار در خواندن برخی ادعیه در عصر غیبت از جمله دعای معروف به دعای عصر غیبت است:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ... اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعَرَّفَنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي...^{۵۵}

هم‌چنین تکرار صدبار «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در نماز مخصوص امام زمان در هر رکعت بیان‌گر این نکته است که در دوران غیبت حفظ ایمان بسیار سخت است. لذا باید از خدا بسیار مدد جست که یکی از بهترین راه‌ها برای حفظ ایمان، تقویت و عمیق کردن شناخت و معرفت خود به حضرت است.^{۵۶} حضرت آیه‌الله مصباح در زمینه ضرورت افزایش معرفت به حضرت می‌فرماید:

... هیچ‌کدام از ما نباید گمان کنیم معرفتی که به وجود مقدس حضرت ولی‌عصر داریم، کافی و وافی است. ما باید خیلی بیشتر از اینها کار کنیم تا معرفتمان به حضرت کامل شود.^{۵۷}

ضعف معرفت و شناخت متناسب با زمان در امر مهدویت و نمودهای این آسیب در رفتارهای زائران و مشتاقان حضرت که به مسجد مقدس جمکران می‌آیند به چشم می‌آید.

گرایش کم زائران به تهیه محصولات فرهنگی و کتاب به ویژه در مقایسه با تهیه غذای نذری بسیار به چشم می‌آید. به گفته یکی از مسئولان مهدیه فدک در هر شب چهارشنبه ۲۰ تا ۲۲ هزار نفر

برای دریافت غذای نذری مراجعه می‌نمایند، اما در بررسی هم‌راه با مشاهده معلوم شد که در هر ده دقیقه آن‌هم در شلوغ‌ترین زمان ممکن (بین ساعت ۹ - ۱۱ شب) حدود صد نفر آقا و خانم وارد کتاب فروشی می‌شوند که البته نصف ایشان کتابی تهیه نمی‌کردند، بلکه فقط نگاهی به کتاب‌ها می‌انداختند و برمی‌گشتند و خیلی‌ها هم درصدد تهیه نوار لوح‌های فشرده مداحی... بودند.

بنابراین، بی‌تناسبی میان معرفت و شناخت به حضرت مهدی و آموزه مهدویت نزد معتقدان به آن حضرت با این دوران، آسیبی در حیطه رفتار است که جای تأمل دارد. البته ناگفته نماند که این ضعف در گذشته نیز دامن‌گیر مهدی‌باوران بوده است، چنان‌که در دوران علی محمد شیرازی (باب) که ادعای امام زمانی کرده، عده‌ای زیاد به او گرویدند، در حالی که نه نامش نام حضرت بود و نه نام پدر و مادرش همانندی به نام پدر و مادر بزرگوار آن حضرت داشته است. بنابراین، با نگاه به آن‌که براساس روایات حفظ ایمان در آخرالزمان بسیار دشوار است و به همین جهت، سفارش شده برخی دعاها را زیاد بخوانید و سیره بزرگان نیز همین بوده، باید گفت که شناخت و معرفت کنونی بیشتر مهدی‌باوران به حضرت در خور این زمان نیست. گرایش بسیار افراد به مدعیان دروغین رابطه با حضرت و هم‌چنین سوءاستفاده برخی افراد از احساسات دینی مردم در زمان کنونی، دلیل بر این مدعاست.

پی نوشت

- * محقق و پژوهشگر مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)
۱. مکارم شیرازی، «مسجد جمکران کانون هدایت»، ماهنامه موعود، ش ۷۰، ص ۵۱، تهران ۱۳۸۵ شمسی.
 ۲. بروس کوئن، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۱۳۷-۲۴۶، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۷۰ شمسی.
 ۳. همان، ص ۲۴۷.
 ۴. همان، ص ۱۳۷-۲۵۰.
 ۵. دهخدا، *لغتنامه*، ص ۲۰۱۱۹، ۱۳۷۶ شمسی.
 ۶. گی‌روشه، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، ص ۹۵، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۶۷ شمسی؛ حمید پارسانیا، *نماد و اسطوره در عرصه توحید و شرک*، ص ۱۲، مرکز نشر اسراء، قم ۱۳۷۳ شمسی.
 ۷. کلینی، *اصول الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۲۰۷، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۸ قمری.
 ۸. *بحارالانوار*، ج ۷۷، ص ۱۴۷، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
 ۹. جولیوس گولد ویلیام، ل. کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمدجواد زاهدی مازندرانی، ص ۸۶۷، تهران ۱۳۷۶ شمسی.



۱۰. مجتبی تونه‌ای، *موعودنامه*، ص ۶۴۶، انتشارات میراث ماندگار، قم ۱۳۸۴ شمسی.
۱۱. واحد تحقیقات مسجد جمکران، *سخن‌رانی مراجع و اندیش‌مندان در مسجد مقدس جمکران*، ص ۷۳، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۷۳ شمسی.
۱۲. *همان*، ص ۸.
۱۳. محمدتقی مصباح یزدی، *آفتاب ولایت*، ص ۱۱۷، انتشارات مؤسسه امام خمینی، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۱۴. *موعودنامه*، ص ۴۷۲.
۱۵. عزیزالله حیدری، «جمکران رمزی از حیات و پایداری تشیع»، فصل‌نامه *قم*، ش ۲۱ و ۲۲، سال ۱۳۸۲ شمسی.
۱۶. سوره توبه، آیه ۱۸.
۱۷. *آفتاب ولایت*، ص ۱۸.
۱۸. شیخ عباس قمی، *سفینه البحار*، ص ۱۷، انتشارات اسوه، تهران ۱۴۱۶ قمری.
۱۹. کریم تاج‌بخش، *سرمايه اجتماعي*، ص ۱۰، انتشارات شیرازه، تهران ۱۳۸۴ شمسی.
۲۰. برای نمونه در کتب روایی معتبر شیعی مثل *اصول کافی*، *وسایل الشیعه*، و... ابواب جداگانه‌ای تحت عناوین ذیل آمده که اهمیت تعاون و هم‌یاری را می‌رساند، مثل: باب تعجیل در کار خیر، باب همّت گماشتن به امور مسلمین و خیرخواهی آنها، باب برادری اهل ایمان با یک‌دیگر، باب شادی رساندن به مؤمن، باب روا ساختن حاجات مؤمن، باب کوشش در راه حاجت مؤمن، باب گشودن گرفتاری مؤمن، باب خدمت به مؤمن. (*اصول کافی*، ج ۳) هم‌چنین در *وسایل الشیعه*، «کتاب الامر بالمعروف...» از جمله کارهای خیر را چنین می‌شمرد: «باب استحباب قرض المؤمن»، «باب وجود حسن جوار»، «باب وجوب الاهتمام بأمور المسلمین»، «باب استحباب نفع المؤمنین»، «باب استحباب ادخال السرور علی المؤمن»، «باب استحباب اکرام المؤمن»، «باب استحباب خدمه المسلمین»، «باب تحریم ترک معنویة المؤمن» (حرمت کمک نکردن به مؤمن) و... .
۲۱. همان کتاب‌ها ابواب: «باب تحریم منع المؤمن شیئاً من عنده»، «باب حرمت غرور و خودپسندی» و... .
۲۲. نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۰۴ به بعد.
۲۳. محمد هاتفی موسوی اصفهانی، *مکیال المکارم*، ج ۲، انتشارات ایران نگین، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۲۴. ماه‌نامه *موعود*، ص ۶۷.
۲۵. علی دوانی، *مهدی موعود* (ترجمه ج ۱۳، *بحار الانوار*)، چاپ ۲۹: انتشارات دارالکتاب، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۲۶. ماه‌نامه *موعود*، ص ۱۷.
۲۷. نک: مقدمه انتشارات جمکران بر کتاب.
۲۸. *مهدی موعود*، ۱۳۸۱.
۲۹. *همان*، ص ۱۷.
۳۰. مرتضی مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، قم ص ۷، ۱۳۵۹.
۳۱. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۴، ص ۴۷۲، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۳۲. *همان*، ج ۱۸، ص ۷۲.
۳۳. *الغیبه*، ۱۳۸۱.
۳۴. *آفتاب ولایت*، ص ۲۸.
۳۵. فرامرز رفیع‌پور، *آنا تومی جامعه*، ص ۳۵، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۳۶. *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ص ۱۷۹.
۳۷. *آنا تومی جامعه*، ص ۷۸.
۳۸. *مکیال المکارم*، ص ۵۶۳.
۳۹. *بهار الانوار*، ج ۷۵، ص ۳۹.
۴۰. محمدرضا حکیمی، ص ۲۷۳، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۳ شمسی. مرحوم موسوی اصفهانی از جمله وظایف منتظران به موارد ذیل اشاره می‌کند: اهتمام در ادای حقوق برادران دینی، شاد کردن مؤمنین و دوستان حضرت و... (*مکیال المکارم*، ج ۲)
۴۱. رضایی، ص ۳۸، ۱۳۸۲.
۴۲. رحیم نوبهار، *کوی دوست*، ص ۱۰۱، مرکز مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم ۱۳۷۶ شمسی.
۴۳. *مکیال المکارم*، ص ۴۳۸.
۴۴. حسین زینالی، *چهل حدیث مسجد*، ص ۴۷، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۴۵. *آنا تومی جامعه*، ص ۵۰۸.
۴۶. *مسجد جمکران کانون هدایت*، ص ۲۸۲.
۴۷. *ملکیان المکارم*، ۱۳۸۱.
۴۸. سید عبدالحمید ضیایی، *جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا*، ص ۴۳، انتشارات هزاره ققنوس، تهران ۱۳۸۴ شمسی.
۴۹. *آفتاب ولایت*، ص ۲۰.
۵۰. سوره نور، آیه ۵۵.
۵۱. یان رابرتسون، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، ص ۳۶۳، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۷ شمسی.
۵۲. در این باب روایات فراوانی وارد شده و حتی کتبی نیز تألیف شده است. برای نمونه: ابی‌عبدالله نعیم بن حماد، کتاب *الفتن*؛ ابن طاووس، محمودی گلپایگانی، *الملاحم و الفتن*، *علائم آخر الزمان*، مجتبی السادة، شش ماه پایانی، ترجمه محمود مطهری‌نیا. (برای اطلاع بیشتر کک: *خورشید مغرب*، ص ۳۰۱.
۵۳. *خورشید مغرب*، ص ۲۷۸.
۵۴. *آفتاب ولایت*، ص ۹۷.
۵۵. *مکیال المکارم*، ج ۲، ص ۲۷۳.
۵۶. *همان*، ص ۱۸۱.
۵۷. *آفتاب ولایت*، ص ۴۴.